

# خانه‌های خشتی هنوز نفس می‌کشند

## واکاوی یک روز ملی در سایه بیم‌ها و امیدها



■ جشن ملی بوم‌گردی‌ها، برای بوم‌گردی‌های کرمان آورده‌ای نداشت  
■ بوم‌گردی یا هتل با دیوارهای کاهگلی؟  
■ روستا زنده است اگر بگذاریم

■ روایت یوزپلنگ‌هایی که نان آور شدند  
■ نگرانی برای خاموشی چراغ بوم‌گردی‌ها  
■ بوم‌گردی با وعده توانمندسازی و واقعیت رهاسازی



بوم‌گردی  
قصه ما و غم زمین

ایدرام رفیعی |  
پژوهشگر علوم زمین

بوم‌گردی؛ بازگشت به هویت  
نه بازتولید هتل

آرزاده عابدین‌زاده |  
راهنمای گردشگری و تسهیلگر  
روستای سهیلی قشم

بوم‌گردی، محور و مدار  
تنوع فرهنگی است

اسید مصطفی فاطمی |  
مدیرکل توسعه گردشگری داخلی  
وزارت میراث فرهنگی

بوم‌گردی؛ بازخوانی یک  
راهبرد پایداری در تلاطم‌های  
عصر حاضر

انوشیروان محسنی بندپی |  
معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی  
گردشگری و صنایع دستی



# روایت یوزپلنگ‌هایی که نان آور شدند

مسئول دفتر ثبت روستاهای جهانی «توسعه درون‌زا» در قلب روستاهای ایران می‌گوید



میدان بازار

**۱ قلمه بالا، جایی که حفاظت به اقتصاد تبدیل شد**  
در حاشیه شرقی ایران و در نزدیکی پارک ملی توران، روستای قلمه بالا یکی از نمونه‌های شاخص تغییر مذهب معیشت معرفی می‌شود؛ روستایی که نام آن در سال‌های اخیر با حفاظت از یوزپلنگ آسیایی گره‌خورده است.

فاصلی در توضیح این تجربه می‌گوید: «وقتی پای انقراض یوزپلنگ آسیایی به میان آمد، مردم قلمه بالا انتخابی کردند که نتیجه‌اش امروز در قالب تغییر کامل معیشت قابل‌مشاهده است.» به گفته او، واگذاری بخشی از زمین‌های کشاورزی و مراتع برای حفاظت از ریزشگاه، نقطه آغاز این تغییر بوده است. او اضافه می‌کند: «این تصمیم فقط یک اقدام زیست‌محیطی نبود؛ تبدیل به مانع‌بند اجتماعی روستا شد.» در روایت او، این نقطه همان جایی است که مفهوم توسعه از یک برنامه بیرونی به یک انتخاب روزی تبدیل شده است.

در بازدید میدانی از منطقه، آنچه بیش از همه به چشم می‌آید، تغییر تدریجی چهره اقتصادی

روستا است. امروز ۱۴ اقامتگاه بوم‌گردی در قلمه بالا فعال است؛ اقامتگاه‌هایی که به گفته فاضلی، «جایگزین بخشی از درآمد سنتی شده‌اند.» در سطح روستا نیز نشانه‌های این تغییر دیده می‌شود؛ کوهپایه‌ای که با نام و تصویر زاغ نور و یوزپلنگ شناخته می‌شوند و فضایی که به تدریج هویت گردشگری به خود گرفته است.

فاصلی در ادامه گفت‌وگو به نقش زنان در شهرستان می‌کند: «زنان با راه‌اندازی خانه صنایع‌دستی و گردشگری وارد چرخه اقتصاد شده‌اند و روایت محیط‌زیست را به معمول تبدیل کرده‌اند.» برند

ایام ما در سال‌هایی که توسعه شهری در ایران با چالش‌های محیط‌زیستی و اجتماعی همراه شده، نگاه سیاست‌گذاران گردشگری پیش از گذشته به سمت روستاهایی چرخیده که تلاش کرده‌اند مدل متفاوتی از توسعه را تجربه کنند؛ مدلی که در آن محیط‌زیست، معیشت و فرهنگ محلی درهم‌تنیده شده‌اند. در همین چارچوب، سه روستای «قلمه بالا»، «پامنار» و «فعلیل» به عنوان کاندیدهای ایران در رقابت‌های بین‌المللی گردشگری معرفی شده‌اند.

«توسک فاضلی»، مسئول دفتر ثبت روستاهای جهانی، در گفت‌وگو با «ایام ما» می‌گوید: «روستاهای دیگر فقط سکوئنگاه نیستند؛ این‌ها تبدیل به پروژه‌های توسعه‌ای شده‌اند که می‌توانند الگویی ملی باشند.» او تأکید می‌کند که این تغییر نگاه، نتیجه چند سال بازنقش نقش گردشگری در سیاست‌های توسعه روستایی است.

محلی «بویرا» نیز در همین مسیر شکل گرفته و امروز بر روی محصولات صنایع‌دستی و خوراکی روستا دیده می‌شود. او همچنین به برگزاری ۱۴ساله جشنواره «بوغ بوه» او همچنین به برگزاری ۱۴ساله جشنواره «بوغ بوه» اشاره می‌کند و آن را نشانه‌ای از استمرار اجتماعی این مدل توسعه می‌داند.

**۲ پامنار؛ اقتصاد روزمره در دل نخلستان**  
در جنوب غرب کشور، روستای پامنار در شهرستان «دزفول»، نمونه دیگری از پیوند میان اقتصاد محلی و گردشگری معرفی می‌شود. فاضلی در توضیح این روستا می‌گوید: «پامنار جایی

است که نخلستان و زندگی روزمره عملاً از هم جدا نیستند. صنایع‌دستی در اینجا یک فعالیت جانبی نیست، بلکه بخش اصلی زندگی مردم است.» او با اشاره به هنر «کیوفانی» ادامه می‌دهد: «هر خانه در پامنار یک کارگاه تولیدی است. برگ‌های نخل و گیاهان بومی تبدیل به محصولاتی شده‌اند که امروز حتی در بازارهای بیرونی هم شناخته شده‌اند.» در کوجه‌های این روستا، کارگاه‌های کوچک خانگی به طور هم‌زمان نقش فضای زندگی و تولید را ایفا می‌کنند. به گفته فاضلی، این ویژگی پامنار را به نمونه‌ای از «اقتصاد مبتنی بر خانواده» تبدیل کرده که در آن مرز میان کار و زندگی روزمره کم‌رنگ شده است. در همین حال، گردشگران نیز به عنوان بخشی از این چرخه وارد روستا می‌شوند؛ نه صرفاً به عنوان بازدیدکننده، بلکه به عنوان مخاطب مستقیم تولید محلی.

**۳ فعلیل؛ گردشگری سلامت در دامنه سیلان**  
در شمال غرب ایران و در دامنه‌های سیلان، روستای فعلیل به عنوان نمونه‌ای از توسعه مبتنی بر منابع طبیعی مطرح می‌شود. فاضلی درباره این روستا می‌گوید: «فعلیل نشان داده که منابع طبیعی اگر درست مدیریت شوند، می‌توانند به موتور اقتصادی پایدار تبدیل شوند.» او به نقش آب‌های گرم طبیعی در شکل‌گیری ریزشگاه‌های گردشگری اشاره می‌کند و می‌افزاید: «صخره مجتمع‌های آب‌درمانی مدرن و هتل‌های باکیفیت در این منطقه، باعث شده مهاجرت جوانان کاهش پیدا کند و اشتغال محلی شکل بگیرد.»

در این روستا، گردشگری سلامت به محور اصلی اقتصاد تبدیل شده و جریان ثابت گردشگران داخلی و خارجی، به گفته مسئولان محلی، نقش مهمی در تثبیت جمعیت ایفا کرده است.

**۴ فراتر از رقابت جهانی**  
ترکس فاضلی هدف از حضور این روستاهای رقابت‌های سازمان جهانی گردشگری را فراتر از کسب عنوان بین‌المللی می‌داند. او می‌گوید: «این فقط یک رقابت نیست، فرصتی است برای دیده شدن تجربه‌هایی که سال‌ها در سکوت شکل گرفته‌اند.»

به گفته فاضلی، ارزش اصلی این طرح‌ها در ثبت تجربه‌های محلی است؛ «حتی اگر در نهایت نام این روستاهای در فهرست جهانی قرار نگیرد، آن‌ها مسیر خود را طی کرده‌اند.»

مسئول دفتر ثبت روستاهای جهانی تأکید می‌کند: «آنها پیشاپیش برنده‌اند، چون توانسته‌اند توسعه را در دل جامعه محلی بیرون بیاورند و به یک انتخاب جمعی تبدیل کنند.»

روستاهای قلمه بالا، پامنار و فعلیل در این روایت، به صرفاً مفاهیم گردشگری نیستند؛ بلکه نمونه‌هایی از تغییر الگویی توسعه در ایران معرفی می‌شوند؛ تغییراتی که از دل تجربه‌های محلی شکل گرفته و اکنون در سطح ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

زمان به سوه‌مدیریت کیفی و رشد چارچ‌گونه اقامتگاه‌ها اشاره داشت. حالا معنای تلخ‌تری گرفته است: قطاری که از خط خارج شده، در میانه طوفان جنگ، قطعی اینترنت و فروپاشی معیشت، در حال متلاشی شدن است.

نگارانی فعالان فقط اقتصادی نیست. بوم‌گردی در ایده اولیه خود قرار بود ابزاری برای حفاظت از محیط‌زیست، ایجاد جامعه محلی و مهاجرت معکوس باشد. تعطیلی هر اقامتگاه بوم‌گردی، یعنی نشانه شدن چند فرصت شغلی روستایی، احتمال مهاجرت دوباره میزبانان به شهرها، رهاشدن خانه‌های تاریخی‌ای که با هزینه فراوان مرمت شده‌اند، و ضربه به اقتصاد جوامع محلی که در بسیاری از روستاها به این درآمد وابسته‌اند.

**۵ پیش‌بینی‌های بازی روز ملی**  
روز ملی بوم‌گردی اقبال، پیش از آنکه فرصتی برای جشن باشد، روزی پر از چالش‌های جدی برای روی سیاست‌گذاران و فعالان قرار دهد. آیا بوم‌گردی در ایران، بدون بازگشت به سیاست‌های حمایتی، بدون توسعه زیرساخت اینترنت و بدون چاره‌اندیشی برای کاهش قدرت خرید خانوار می‌تواند به ایده اولیه خود - یعنی توسعه پایدار روستایی - بازگردد؟

وزیر میراث‌فرهنگی پیش‌تر اعلام کرده بود ۱۴۹ مکان تاریخی کشور در چرخه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم آسیب‌دیدند؛ اما تعداد بوم‌گردی‌هایی که در یک سال گذشته تعطیل شده‌اند یا در آستانه تعطیلی قرار دارند، در آمار رسمی منعکس نشده است. مادامی که ابعاد واقعی این بحران در داده‌های رسمی ثبت نشود و برنامه‌های مشخص برای حمایت از اقامتگاه‌های بوم‌گردی ارائه نگردد، ۳۱ اردیبهشت می‌تواند به جای روز جشن، روز هشدار باشد. هشداری از طرف خانه‌های کاهگلی‌ای که رزقشان رو به خاموشی است.



آرامش در خانه

## یادداشت | بوم‌گردی، محور و مدار

### تنوع فرهنگی است



اسپد مصطفی فاطمی | مدیرکل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث‌فرهنگی

**وقتی پای انقراض یوزپلنگ آسیایی به میان آمد**  
**مردم قلمه بالا انتخابی کردند که حفاظت از یوزپلنگ آسیایی گره‌خورده است**  
**در قالب تغییر معیشت قابل مشاهده است**

سازمان پس از پیگیری‌های مستمر و درک ضرورت‌های فرهنگی - اجتماعی، «روز ملی بوم‌گردی» با مسوئله‌های شورای انقلاب‌فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی، در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران ثبت شد. انتخاب این روز، تقابلی هوشمندانه با «روز جهانی تنوع فرهنگی» دارد؛ چراکه بوم‌گردی‌ها در ساختار نوین گردشگری ما، تنها یک واحد اقتصادی قائم نیستند، بلکه به معنای واقعی کلمه، «محور و مدار تنوع فرهنگی» ایران به شمار می‌روند. این تقابل به جهانیان نشان می‌دهد که ایران چگونه از معبر گردشگری بومی به صیانت از تکثیر این‌ها، از جان‌ها و فرهنگ‌های سنتی خود می‌پزد. ما برای توسعه این صنعت، به یک معادله سالانه نیاز داریم؛ یعنی آنکه به برای شرفیای، بلکه برای «گردم آوردن خانواده بزرگ بوم‌گردی» طراحی شده باشد. هدف ما از این گردهمایی، تدوین نقشه راه یکساله با مشارکت مستقیم خود بهره‌برداران است. ما معتقدیم بوم‌گردی‌ها باید از حاشیه به منی تصمیم‌گیری‌های کلان منتقل شوند. اولین روایت‌ها باید چابکه بوم‌گردی در نظام حکمرانی کشور؛ اولویت اصلی ما است. اعضای دولت باید با ظرفیت‌های بی‌پندل این حوزه در اختیار مسئولان و مهاجرت معکوس آشنا شوند؛ تا یک گفتمان دویفره و سازنده میان دولت و بخش خصوصی شکل بگیرد.

**هر خانه در پامنار یک کارگاه تولیدی است**  
**برگ‌های نخل و گیاهان بومی تبدیل به محصولات می‌شود**  
**شده‌اند که امروز حتی در بازارهای بیرونی هم شناخته شده‌اند**

سال گذشته، کوه‌های میزبان با شکوه این مراسم بود و امسال، با وجود شرایط مناسب منطقه و چالش‌های موجود، با استقبال در استان‌های هم‌مرز آمدیم. هر چه شرایط جنگی و نگرانی‌های مربوط به امنیت است، نقطه قوت مراسم است. هر چه شرایط از آن‌ها مختلف دولت بود، حضور معرکه‌ها که کلید چرخه‌های اشتغال کشور را دست دارد، معنای زیاده‌چیزی در میراث‌فرهنگی و مسوئله‌های اصلی زیرساخت‌های مناطق محروم است. و معنای امروز زبان ریاست‌جمهوری، نشان‌دهنده یک نگاه جامع به بوم‌گردی است. ما می‌دانیم که بخش عظیمی از مدیریت و بنده اجرایی بوم‌گردی‌های موفق ایران از زبان توانمند روستایی تشکیل می‌دهند؛ لذا این هم‌افزایی میان وزیر میراث‌فرهنگی و معاونت امور زنان، می‌تواند مسیر رشد حرفه‌ای بانوان فعال در این حوزه را هموارتر کند. تعلق حضور مسئولان رسانه‌ای و مدیران امور اجتماعی در کنار توانمند میراث‌فرهنگی، تریبونی ایجاب برای بوم‌گردی از ظرفیت‌های دولتی در جهت تعالی روستاهای‌ها به وجود آورده است. این ارتباطات دوسویه، مستقیماً به تکمیل زیرساخت‌های گردشگری در روستاها و توانمندسازی مدیران استان‌ها منجر خواهد شد. بخش دوم برنامه ما در استان‌ها، تمرکز بر «بهره‌های تخصصی و بین‌بخشی» است. ما به دنبال تولید دانش هستیم. بوم‌گردی‌ها باید تجارب موفق و حتی شکست‌های خود را، هم‌به‌اشتراک بکنارند. این به‌لبا فضاها را ایجاد می‌کند تا «یک شبکه دانش» مستحکم میان بوم‌گردی‌ها شکل بگیرد. هدف ما این است که هر اقامتگاه بوم‌گردی، به یک کارگاه کوچک توسعه تبدیل شود که فرهنگ محلی را پاس می‌دارد و هم به اقتصاد ملی با پای می‌بندد. روز ملی بوم‌گردی، آغاز فصلی نو برای پیوند عمیق‌تر میان سنت‌های

امروز می‌سویکم اردیبهشت، در تقویم به نام «روز ملی بوم‌گردی» ثبت شده است. نخستین تأسیسات گردشگری ایران که توانست ریزی اختصاصی در تقویم رسمی به نام خود ثبت کند، اما این روز در سالی فرامی‌رسد که فعالان حوزه آن را یکی از دلچسپ‌ترین دوره‌های تاریخ بوم‌گردی ایران می‌دانند. بیش از سه هزار و پانصد اقامتگاه بوم‌گردی دارای مجوز در کشور فعال‌اند. اما بسیاری از آن‌ها در ماه‌های اخیر با تعطیل شده‌اند، یا برای فروش به آگهی گذاشته شده‌اند. یا صاحبان‌شان از تعدید مسوئله‌های سازمان‌ها، بی‌خبر شده‌اند.

ایده بوم‌گردی در ایران از حدود دو دهه پیش با چند هدف روشن کلید خورد: ایجاد اشتغال در روستاها، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامتگاه‌ها از حدود ۴۰۰ واحد به بیش از ۱۵۰۰ واحد و سپس به مرز ۳۵۰۰ واحد رسید. این رشد، در کنار افتخار آماری مسئولان، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس و مناطق، فضای معماری و آداب‌رسوم محلی، و مهم‌تر از همه، تسهیل «مهاجرت معکوس» از کلان‌شهرها به روستاهای روستاها. در سال‌های میانه دهه نود، تعداد این اقامت

